



عابدینی: بعد از برنز جهان، ده دقیقه گریه کردم

# برای مدال جا مانده ام به توکیو می روم

قبل از المپیک ۲۰۱۶ ریو، تقریباً کسی در میان مردم عادی، شناختی از شمشیربازی نداشت و نمی دانست که ایران هم در این رشته دستی بر آتش دارد. با این حال مسابقات جذاب مجتبی عابدینی در ریو و رسیدن اش به نیمه نهایی این رویداد مهم، باعث شد تا بسیاری از مردم ایران تا نزدیکی های صبح بیدار بمانند و رقابت های او را پیگیری کنند؛ شمشیرباز باتجربه ای که پس از لندن و ریو، حالا قرار است سومین المپیک خود را تجربه کند و یکی از امیدهای کاروان ایران برای کسب مدال در بازی های ۲۰۲۱ است. مجتبی عابدینی که خودش می گوید اگر سهمیه ی لندن را نمی گرفتیم، از شمشیربازی خدا حافظ می کردم، حالا آنقدر امیدوار است که دوست دارد المپیک توکیو و حتی بازی های آسیایی بعدی را نیز تجربه کند و پس از ثبت اولین های بسیاری در شمشیربازی، رکوردهای ماندگارتری را این بار در ورزش ایران به نام خود ثبت کند. حالا به بهانه ی حضور این چهره ی مهم و تاثیرگذار شمشیربازی در توکیو، گفت و گوی مفصلی با او انجام دادیم. گفت و گویی که دوران حضورش در المپیک، از قبل از بازی های ۲۰۱۲ تا کسب سهمیه ی ۲۰۲۱ را روایت می کند.

## هیچکس امیدی به من نداشت!

مجتبی عابدینی در سال ۲۰۱۲ و در شرایطی که کمتر کسی تصورش را می کرد، نخستین سهمیه ی تاریخ شمشیربازی در تاریخ را گرفت. سهمیه ای که چگونگی گرفتن و شرایط عجیب اش در دو روز منتهی به کسب سهمیه را اینطور روایت می کند: «در آن سال شرایط چندان خوبی در رده بندی جهانی نداشتیم و به همین خاطر کار کسب سهمیه در نهایت به رقابت های آسیایی رسید؛ مسابقاتی که برای رسیدن به سهمیه، فقط باید در آن قهرمانی می شدم. خوب یادم می آید که حتی رئیس فدراسیون هم شانس چندان برای من قائل نبود و همه شانس بیشتر را

## ۴۸ ساعت بی خوابی

روز قبل از مسابقات شرایط خیلی عجیبی داشتیم. خوب یادم می آید که پنجشنبه صبح تمرین سبکی کردم و تصمیم گرفتم ظهر خوابم تا شب قبل از مسابقه خواب خوبی داشته باشم.

به اهای می دادند که سه نفر اول اش راهی المپیک می شدند و تصور می کردند علی یعقوبیان، شانس بیشتری دارد. روی کاغذ هم همین بود، اما در مسابقاتی که سیزده کشور سهمیه نگرفته از جمله ژاپن میزبان حضور داشتند، من قهرمان شدم و برای اولین بار در تاریخ شمشیربازی سهمیه ی المپیک را گرفتم.»

استرس و فشار خیلی زیادی را حس می کردم و به همین خاطر حوالی ده شب سعی کردم بخوابم. اتاقم تک نفره بود و تنها بودم. خیلی تلاش کردم اما تا خود صبح نتوانستم پلک روی هم بگذارم. ساعت هفت صبح صبحانه خوردم و پس از آن هم راهی سالن مسابقات شدم. خوب یادم می آید که همه یک طوری نگاه می کردند. چهره ام نشان می داد که شرایط خوبی ندارم و رنگ ام پریده بود. با همان حال برای بازی اول مقابل حریف فیلیپینی قرار گرفتم که دوبار در المپیک بازی کرده بود. اولین ضربه را که خوردم و داور امتیاز را به حریف داد، تازه به خودم آمدم و فهمیدم کجا هستم!

## حریف ژاپنی جواب سلام ام را نداد

حریف فیلیپینی را بردم و به مراحل بالاتر رفتم تا رسیدم به نیمه نهایی. مقابل ام حریف ویتنامی بود که پنج امتیاز اختلاف را یکدفعه جبران کرد و ۱۳-۱۳ مساوی شدیم. خیلی حساس شده بود اما خوشبختانه ۱۵-۱۳ بردم و به فینال رسیدم. در اتاق سرد، ورزشکار ژاپنی را دیدم که باید در دیدار نهایی با او رقابت می کردم. جلو رفتم و سلام کردم اما جواب سلام ام را نداد! خیلی به من برخورد. همان لحظه نماینده ی ایه دختران ژاپن وارد سالن شد و تازه سهمیه گرفته بود. با همدیگر خوش و بش کردند و واضح بود که به او گفتند نفر بعدی تو هستی که سهمیه می گیری. مصمم شدم تا شکست اش دهم و انگیزه ام دوچندان شد. با این حال روی پیست، کار خیلی سخت شد و شش بر سه هم عقب افتادم، اما همه ی چیزهایی که گفتم و انگیزه ی خیلی زیاد برای کسب سهمیه، باعث شد تا با تمام وجود بجنگم. در ابتدا بازی را ۱۱-۱۱ مساوی کردم و بعد هم حریف ژاپنی را در خانه ی خودش ۱۵-۱۲ شکست دادم و با قهرمانی، اولین سهمیه ی تاریخ را برای شمشیربازی گرفتم.

## اگر سهمیه نمی گرفتیم، خدا حافظی می کردم!

بعد از قهرمانی، بار سنگینی از روی دوش ام برداشته شد. همان موقع تصمیم گرفته بودم که اگر سهمیه نگیرم، همان جا از شمشیربازی خدا حافظی کنم و دیگر ادامه ندهم. درست است که نفرت زیادی نبودند که پشت خط مانده باشند، اما خب به هر ترتیب خسته شده بودم و فکر می کردم راه را برای بقیه باز کنم. خدا را شکر که موفق شدم با وجود استرس و فشار سنگینی که تحمل کردم. خوب یادم می آید که خستگی مفرط و بی خوابی شب قبل از آن، باعث شد تا ساعت ده شب بخوابم و فردا ساعت یک ظهر بیدار شوم.

## با پای مصدوم در لندن مسابقه دادم

عابدینی در لندن نتیجه ی قابل قبولی نگرفت و در همان بازی اول، با شکست مقابل حریف خود از دور رقابت ها کنار رفت. اتفاقی که خودش می گوید علت اصلی آن مصدومیت بوده است: «در لندن شرایط همیشگی را نداشتیم. دو، سه روز مانده به المپیک، پایم پیچ خورد و دکتر تیم معتقد بود کشیدگی درجه ی سه پیدا کرده است. در نهایت هم با باندپیچی بازی کردم و نتیجه ی خوبی هم کسب نشد. همان جا در راه بازگشت به ایران به پیمان فخری گفتم برویم برای چهار سال دیگر و المپیک ۲۰۱۶ ریو.»

## چهار سال سخت

پس از المپیک لندن و تصمیمی که برای حضور بهتر در ریو گرفته بودیم، سال های سختی را پشت سر گذاشتیم. سه سال متوالی باید در بهترین شرایط ممکن بودیم و خیلی پرفشار تمرین می کردیم تا بتوانیم در بین بهترین های دنیا قرار بگیریم. شرایط که قدری بهتر